آثار فردی اعتکاف

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدصادق یوسفی مقدم*

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالرحمن انصاری **

درآمد

اعتکاف، در اصل به معنای محبوس ماندن و مدت طولانی در کنار چیزی قرار گرفتن است و در اصطلاح شرع توقف در مساجد برای عبادت می‌باشد که حداقل آن سه روز است و شرط آن روزه داشتن و ترک بعضی لذائذ دیگر است.[1] این عبادت اثر عمیقی در تصفیه روح و توجه مخصوص به پروردگار داشته و فراغتی مناسب برای تفکر، عبادت، مناجات با خدا، و خلوت با مهربانترین مهربانان است.

اعتکاف در ادیان گذشته هم مورد توجه خاص بوده در روایت است که حضرت سلیمان یک سال، دو سال، یک ماه، دو ماه، کمتر یا بیشتر در مسجد بیت‌المقدس اعتکاف می‌کرد، که غذا و نوشیدنی برایش می‌بردند، و او در مسجد مشغول عبادت بود.[2] اعتکاف دارای آثار گوناگونی است که در اینجا به برخی آثار فردی آن اشاره می‌شود:

۱. تقوی الهی

تقوا به معنای محافظت نفس از چیزی است که موجب گناه می‌شود؛ این صفت از طریق رعایت احکام شرعی و حدود الهی برای انسان حاصل می‌شود و کمال آن با ترک برخی مباحات محقّق می‌گردد.[3] اعتکاف نیز از حدود الهی به شمار آمده و از موجبات تحصیل تقواست؛[4] زیرا:

---

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

** پژوهشگر حوزه علمیه.

۱. مفید، مقنعه، قم، نشر اسلامی، ص ۳٦۳، شریف المرتضی، جُمَل العلم والعمل، به کوشش الحسینی، نجف، مطبعة الآداب، ص ۹۹، احمد خوانساری، *جامع‌المدارک*، به کوشش غفاری، تهران، مکتبة الصدوق، ج ۲، ص ۲٤۲.

۲. إن سلیمان ﷺ کان یعتکف فی مسجد بیت المقدس السنة و السنتین و الشهر و الشهرین و أقل و أکثر یدخل فیه طعامه و شرابه و یتعبد فیه.(طبرسی، مجمع البیان، بیروت، دار المعرفه، ج۸، ص ۲۰٤و بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج۱٤، ص۱٤۱.)

۳. راغب اصفهانی، المفردات، به کوشش صفوان داوودی، دمشق، دارالقلم، ۱٤۱۲ق، ص۸۸۱، «وقی»

٤. طبرسی، مجمع‌البیان، بیروت، دارالمعرفة، ج۲، ص۵۰۵.

۱-۱. اعتکاف عبادت است و از منظر قرآن مجید هر عبادتی در تحصیل تقوا تأثیر دارد. چنان‌که در قرآن آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُواْ رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»[1] ای مردم، پروردگار خود را پرستش کنید؛ آن کس که شما و کسانی که پیش از شما بودند، آفرید، تا پرهیزگار شوید.

۱-۲. روزه نیز که از شرایط صحّت اعتکاف است، در تحصیل تقوا نقشی اساسی دارد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»[2] ای افرادی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما نوشته شد همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند نوشته شده، تا پرهیزکار شوید.

بدیهی است روزه همراه با اعتکاف، نقش موثرتری در تحصیل تقوا خواهد داشت.

۱-۳. توقف در مسجد نیز که از شرایط اعتکاف است، از اسباب تحصیل تقواست و از منظر قرآن فلسفهٔ وجودی مسجد، رسیدن انسان‌ها، به مقام تقوای الهی است و انسان‌هایی که در آن حضور دارند (به ویژه در ایّام اعتکاف) انسان‌های با ایمانی‌اند که اهل پاکی و درست‌کاری‌اند.

«... لَّمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُواْ وَاللّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ»[3] مسجدی که از روز نخست بر پرهیزگاری بنیان شده شایسته‌تر است که در آن‌جا نماز کنی، در آن‌جا مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند، زیرا خدا پاکیزگان را دوست دارد.

۲. انس با خدا

اعتکاف فرصت مناسبی است که انسان با معبود خود خلوت نموده و با گریز از هوای نفس و دوری از اشتغالات زندگی، با محبوب و معشوق خود مانوس گردیده و با سوز دل و اشک دیده خانه دل را صفا دهد. در این خلوت است که انسان با حضوری عارفانه می‌تواند در آثار صنع پروردگار اندیشده و به خدا نزدیک‌تر شود، حضوری که به زندگی معنا و به عمر برکت و به انسان، شخصیت می‌دهد، در این خلوت، معتکف خود را مهمان و خدا را میزبان به حساب می‌آورد، مهمان بر این باور است که اگر مهمان خوبی هم نباشد، صاحب خانه با فضل و کرم خویش با وی خوب برخورد می‌کند.

---

۱. بقره، آیه۲۱، همچنین آیات بسیاری مانند آن‌چه در اعراف، آیه‌های ۲۳ و ۳۲ و در مؤمنون، آیه‌های ۱۶ و ۲۳ آمده، مفید معنای آیهٔ یادشده است.

۲. بقره، آیه۱۸۳.

۳. توبه، آیهٔ ۱۰۸.

در این خلوت، معتکف از نمادها و نشانه‌ها و از پوسته عبادت عبور کرده و به مرتبه شهود، که بالاترین مرتبه و باطن بندگی، است دست می یابد. از این رو خداوند بنده‌اش را به فراغتی برای خلوت با خودش، فرا می‌خواند، تا به مرتبه انس با خدا نائل شود. چنانکه امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

يَا ابْنَ آدَمَ تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمْلَأْ قَلْبَکَ غِنًى وَ لَا أَكِلْکَ إِلَى طَلَبِکَ وَ عَلَيَّ أَنْ أَسُدَّ فَاقَتَکَ وَ أَمْلَأْ قَلْبَکَ خَوْفاً مِنِّي وَ إِنْ لَا تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمْلَأْ قَلْبَکَ شُغُلًا بِالدُّنْيَا ثُمَّ لَا أَسُدَّ فَاقَتَکَ وَ أَكِلْکَ إِلَى طَلَبِکَ[1]؛

ای فرزند آدم، برای عبادت من، فراغتی پدید آور، تا دل ترا از بی‌نیازی سرشار نموده و بدون آن که تو در خواست نمائی، نیازت را برآورده سازم و دل ترا از خوف و خشیت خود لبریز نمایم، اما اگر فراغتی برای بندگی من فراهم نکنی، قلبت را به دنیا سرگرم نمایم و نیازت را برطرف نکرده، به تلاش خودت واگذارت خواهم کرد.

آری، معتکف، به خدا روی آورده و از علاقه‌های غیر الهی، فاصله می‌گیرد و گناهان را ترک می‌کند تا به انس و خلوت واقعی با خدا برسد زیرا، هر دوستی به انس و خلوت با دوست علاقه و آن را بهترین لذت می‌داند. امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که خداوند در هنگام مناجات با حضرت موسی علیه السلام فرموده: «أَلَيْسَ كُلُّ مُحِبٌّ يحبُ خَلوَةَ حَبيبِه[2]» آیا این حقیقت نیست که هر دوستی خلوت با محبوب را دوست دارد.

معتکف، باید مراقب باشدکه هر چه او را از انس و خلوت با دوست باز می‌دارد را رها کند.

علی علیه السلام نیز فرمود: «اَلْمُعْتَكِفُ...، ما كَفَّ عَنِ الكَلامِ مَعَ الناسِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ»[3] معتکف، هر چه از سخن گفتن با دیگران خودداری نماید، برایش بهتر است.

۳. آرامش

از آثار بسیار ارزشمند اعتکاف، پدید آمدن آرامش روحی برای معتکف است . برای آشکار شدن این اثر لازم است به موارد ذیل توجه شود.

۳-۱. انسانها همواره و در طول زندگی با نگرانی‌ها و اضطراب‌های بسیاری روبه‌رو شده و از آنها رنج می برند، این واقعیت تلخ بزرگترین مشکل جوامع انسانی امروز است.

۳-۲. عوامل گوناگونی مانند اندوه بر گذشتهٔ تاریک، ترس از آیندهٔ مبهم، ناتوانی در برابر مشکلات، قدرنشناسی اطرافیان، سوء ظن و تهمت‌ها، دنیاپرستی و وحشت از مرگ و... در دامن زدن به مشکل یاد شده نقش ایفا می کنند.

---

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، تهران اسلامیه، ج۲، ص ۸۳.

۲. حر عاملی، وسائل‌الشیعه، قم، موسسة آل‌البیت، ج۷، ص۷۸.

۳. نعمان بن محمد تمیمی مغربی، دعائم الاسلام، قم، موسسهٔ آل‌البیت، ج۱، ص۲۸۷.

۳-۳. بر اساس مفاد آیات قران، روایات، و نظر روانشناسان، مهمترین عامل ایجاد آرامش یاد خداوند و بیشترین عرصه‌ی ظهور آن عبادت و مناجات با پروردگارعالم است. قرآن کریم به صراحت و به صورت مطلق، یاد خداوند را عامل آرامش می‌داند: «الَّذِينَ آمَنُواْ وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكْرِ اللّهِ أَلاَ بِذِكْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»[۱] اینان کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به ذکر خدا مطمئن و آرام است، همانا با یاد خدا دلها آرامش می گیرد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمود: مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّه أَظَلَّه اللَّه فِي جَنَّتِه.[۲]

ودر جای دیگر از دست دادن یاد خدا را زیان جبران ناپذیر دانسته و می فرماید: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ»[۳] شیطان بر آنها چیره شده است و خدا را از یادشان برده است . ایشان حزب شیطانند . آگاه باش که حزب شیطان زیان کارانند.

٤-۳. یاد خدا از نگاه روان‌شناسان آرامش را برای انسان ایجاد می‌کند و هرگونه اضطراب و نگرانی را از وی می‌زداید و در برابر فشارهای درونی و بیرونی به انسان مصونیّت می‌بخشد.[٤]

از این‌رو، انسان باید به یاد خدا باشد و راه‌های گوناگون آن را بپیماید تا بتواند به ساحل آرامش و آسایش برسد. معتکف در ایّام اعتکاف از راه‌های گوناگون با خدا ارتباط برقرار می‌کند و با آرامش تمام، همهٔ وجود خود را در برابر آن حقیقت مطلق، تسلیم می‌نماید.

در این‌جا برخی از جلوه های یاد خدا که معتکف بیشتر به آنها توجه دارد، ـ به صورت مختصر ـ یادآوری می‌شود:

یکم: ذکر الله به معنای عام آن

معتکف در ایّام اعتکاف همواره ذاکر الله است و بدین‌وسیله منشأ نگرانی و اضطراب را از خود دور می‌کند؛ زیرا منشأ نگرانی انسان ناتوانی و یا ترس است؛ امّا آن‌کس که ذاکرالله است، خداوند را همواره به یاد داشته و او را سرچشمهٔ همهٔ کمالات می داند، مهر خدا در دلش نشسته و قلبش به یاد او آرام می‌گیرد و با این سرمایه بزرگ هرگونه ترس و دلهره را از خود می‌زداید.

«اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ...»[۵] خداوند بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آیاتش (در لطف و زیبایی و عمق و محتوا) همانند یک‌دیگر است، آیاتی مکرّر دارد (با

---

۱. رعد، آیه ۲۸.

۲. کلینی، کافی، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۱۲۲.

۳. مجادله، آیه ۲۰.

٤. محمدعثمان نجاتی، قرآن و روانشناسی، ترجمه: عباس عرب، مشهد، پژوهش‌های اسلامی ۱۳۷۷ش، ص۳۳۵-۳۳٦.

۵. زمر، آیهٔ ۲۳.

تکراری شوق‌انگیز) که از شنیدن آیاتش لرزه بر اندام کسانی که از پروردگارشان خاشعند می‌افتد. سپس بـرون و درونشـان آرام و نرم و متوجّه ذکر خدا می‌شود... .

دوم: نماز

نماز از اعمالی است که در ایّام اعتکاف جلوهٔ ویژه‌ای دارد؛ اساساً نماز توانایی انسـان را در برابـر سـختی زنـدگی افـزایش داده و اعتدال روانی انسان را تقویت می‌کند. از این‌رو، خداوند انسان‌ها را به یاری جستن از نماز دعوت کرده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُـواْ اسْتَعِينُواْ بِالصَّبْرِ وَالصَّلاَةِ إِنَّ اللّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»[1] ای افرادی که ایمان آورده‌اید! از صبر (استقامت) و نماز، کمک بگیرید؛ (زیرا) خداوند با صابران است.

«أَقِمِ الصَّلاَةَ لِذِكْرِى»[2] نماز را برای یاد من به پا دار.

و پیامبر اکرمﷺ نیز برای کسب آرامش به نماز پناه می‌برد.[3]

سوم: دعا

یکی از راه‌های ارتباط معتکف با خداوند دعا و نیایش است؛ دعا و نیایش به درگاه خداوند افزون بر آن‌کـه پاسـخ خداونـد را در پی دارد، به دلیل نزدیک شدن انسان به خداوند، آرامش دهندهٔ او در نگرانی‌هاست، چنانکه خـدای متعـال بـه بهتـرین وجـه ایـن مطلب را بیان فرموده است:

«وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِى عَنِّى فَإِنِّى قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُواْ لِى وَلْيُؤْمِنُواْ بِى لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»[4] و هنگامی که بندگان مـن از تو دربارهٔ من سؤال کنند (بگو) من نزدیکم دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا می‌خواند پاسخ می‌گویم. پس آنها بایـد دعـوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند (و به مقصد برسند).

خداوند در این آیه با کمال عنایت و با بهترین شیوه و کوتاه‌ترین بیان چگونگی دعا و اجابت آن را تبیین کرده، او هر گونه واسطهٔ میان خود و بندگانش را نفی کرده و همهٔ انسان‌ها را با عنوان بندگان خود مخاطـب کقـرار داده و خـود را همـواره نزدیـک آنـان دانسته و به بندگان خود وعدهٔ اجابت دعا داده است؛ اساس آیهٔ یاد شده بر متکلّم وحده است که هفـت بـار در آیـه تکـرار شـده است.

نکات یاد شده خبر می‌دهد که توجّه دعا کننده به موارد یاد شده در استجابت دعا از اهمیّت زیادی برخوردار است.[1]

---

۱. بقره، آیهٔ۱۵۳.

۲. طه، آیهٔ ١٤.

۳. بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۸۰، ص١٦ و مجمع البحرین، به کوشش الحسینی، بیروت، الوفاء، ج۲، ص۲٤۷.

٤. بقره، آیهٔ١٨٦.

انسان در ایّام اعتکاف به وسیلهٔ دعا و نیایش به درگاه خداوند به سرمایهٔ حیات‌بخش آرامش دست پیدا می‌کند تا افزون بر برخورداری از یک زندگی آرام و همراه با سعادت و آسایش، از آن سرمایه بتواند برای رویاروی با بحران‌های زندگی استفاده کند.

٤.تقویت اراده

روزه، از ارکان مهم اعتکاف است و انسان معتکف باید حداقل سه روز متوالی روزه‌دار باشد. از فوائد مهم روزه این است که روح انسان را «تلطیف» و ارادهٔ انسان را قوی و غرایز او را تعدیل می‌کند.

انسان معتکف باید در حال روزه، با وجود گرسنگی و تشنگی از غذا، آب و سایر خوراکی‌ها و همچنین لذت جنسی چشم بپوشد و زمام نفس سرکش را به دست گرفته تا بر هوس‌ها و شهوات خود مسلط گردد.

در حقیقت یکی از آثار مهم روزه و اعتکاف همین اثر روحانی و معنوی است، انسانی که انواع غذاها و نوشیدنی‌ها در اختیار دارد و هر لحظه تشنه و گرسنه شد به سراغ آن‌ها می‌رود. همانند درختی است که در پناه دیوارهای باغ بر لب نهرها می‌روید، این درخت نازپرورده، بسیار کم مقاومت و کم دوام است به گونه ای که اگر چند روزی آب به آن نرسد، پژمرده شده، و می‌خشکد. اما درختی که از لابلای صخره‌ها در دل کوه‌ها و بیابان‌ها می‌روید و نوازشگر شاخه‌هایشان از همان آغاز رویش، طوفان‌های سخت، آفتاب سوزان و سرمای شدید زمستان است و علیرغم آنکه با انواع محرومیت‌ها دست به گریبان است، محکم، بادوام، پراستقامت، سخت‌کوش و سخت جان است!

اعتکاف همراه روزه نیز با روح و جان انسان همین عمل را انجام می‌دهد و با محدودیت‌های موقت به او مقاومت و اراده قوی و توان مبارزه با حوادث سخت را می‌بخشد و با تقویت اراده معتکف غرایز سرکش او را کنترل می‌کند و بر قلبش نور و صفا می‌پاشد، در واقع روزه و اعتکاف انسان را از عالم حیوانیت ترقی داده و به جهان فرشتگان صعود می‌دهند.[۲]

حدیث «اَلصَّومُ جُنَّةً مِنَ النّارِ[۳] روزه سپری است در برابر آتش دوزخ». می‌تواند اشاره به همین مطلب داشته باشد.

روزه سپر آتش است، چون با تقویت اراده آتش غضب و شهوت را که موجب شعله‌ور شدن آتش جهنم در دنیا و ظهور آن در آخرت است، را خاموش می‌کند.

در روایتی آمده که خداوند می‌فرماید: «الصَّوْمُ لِی وَ أَنَا أَجْزِی بِهِ وَ لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ حِینَ یُفْطِرُ وَ حِینَ یَلْقَی رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الَّذِی نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِیَدِهِ لَخُلُوفُ فَمِ الصَّائِمِ عِنْدَ اللَّهِ أَطْیَبُ مِنْ ترائحةِ الْمِسْکِ[۱]» روزه برای من است و من مزد آن را می‌دهم (یا من پاداش آن

---

۱. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ق، ج۲، ص۲۹.

۲. ر، ک: ناصر مکارم شیرازی تفسیر نمونه، تهران، اسلامیه ، ج۱، ص٦٢٨ –٦٢٩.

۳. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، موسسهٔ الطبع و النشر، بیروت، ج۹۳، ص ٢٥٦.

می‌باشم) انسان روزه‌دار را دو شادی است: یکی هنگام افطار و دیگری زمانی که پروردگار خود را ملاقات می‌کند. سوگند به کسی که جان محمدﷺ در اختیار اوست، بوی دهان روزه‌دار نزد خدا، خوش‌تر از بوی مشک است.

با آن‌که همه عبادات از خدا است اما خداوند، درباره روزه می‌فرماید: «روزه، از آن من است» ممکن است دو علت برای آن ذکر نمود.

۱. حقیقت روزه، ترک و خودداری از برخی امور است که درونی و سری است، نه رفتاری آشکار مانند سایر عبادات که در معرض دید دیگران قرار می‌گیرد. بنابراین جز خدا کسی از نیت روزه‌دار خبر دار نیست.

۲. روزه به جهت این‌که اراده را تقویت می‌کند سبب پیروزی انسان بر دشمن خدا (شیطان) است، چون ابزار شیطان، شهوات و غرائز نفسانی است که با خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و... حاصل می‌شود و روزه‌دار با امساک از آن‌ها این حربه کاری را از دشمن خدا می‌گیرد و موجب ناکامی وی می‌گردد.

پیامبر خداﷺ می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَيَجْرِي مِنِ ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِ فَضَيِّقُوا مَجَارِيهِ بِالْجُوعِ»[۲] شیطان همانند خون در فرزندان آدم جریان دارد، پس با گرسنگی، گذرگاه او تنگ نمائید. بنابراین معتکف با روزه و ترک محرمات اعتکاف اراده خود را تقویت و شیطان را خلع سلاح می‌کند.

۵. اخلاص

اخلاص از «خلص» به معنای پیراستن از آمیختگی است[۳] و مقصود از آن در شرع این است که انگیزهٔ عمل، تنها برای خدا باشد.

اخلاص، صفتی است که خداوند پیامبران بزرگ را با آن ستوده است؛ چنان‌چه در توصیف موسیؑ فرموده است: «وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا»[٤] و در این کتاب از موسی یاد کن که او مخلص بود و رسول و پیامبر والا مقام.

و دربارهٔ ابراهیمؑ فرموده است: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»[۵] ابراهیم (به تنهایی) امّتی بود مطیع فرمان خدا، به دور از هرگونه انحراف و از مشرکان نبود.

پیامبر اعظم نیز در قرآن به شیوه‌ای نیکو، انسانی دارای اخلاص توصیف شده است. «قُلْ إِنَّ صَلاَتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»[۱] بگو که نماز، عبادت‌ها، زندگی و مرگ من، همه برای پروردگار جهانیان است.

---

۱. نعمان بن محمد تمیمی مغربی، دعائم الاسلام، قم، مؤسسه آل البیت، ج۱، ص۲۷۱.

۲. علامه مجلسی(محمدباقر)، مراة العقول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج۹، ص۳۸٦.

۳. ابن منظور، لسان‌العرب، به کوشش علی شیری، بیروت، احیاء التراث العربی، ۱٤۰۸ق، ج۷، ص۲٦.

٤. مریم، آیهٔ۵۱.

۵. نحل، آیهٔ۱۲۰، حنیف به انسان مخلص، با استقامت و تسلیم امر خدا اطلاق می شود (لسان‌العرب، ج۹، ص۵۷، ج۱، ص۵۸۸.)

یکی از آثار طبیعی اعتکاف، اخلاص است. زیرا معتکف چند روزی از آزادی، چشم پوشیده و خود را برای عبادت اعتکاف، حبس نموده است.

افزون بر آن، معتکف نه تنها از نظر جسمانی خود را حبس می‌کند، بلکه از نظر روحی نیز از هرگونه علاقه و میلی به جز علاقه و میل به خداوند روی می‌گرداند و برای همین است که بسیاری از چیزها در ایّام اعتکاف بر معتکف حرام می‌شود. آری، معتکف، به خداوند روی می‌آورد و از همهٔ گناهان و علاقه‌های غیر خدایی، فاصله می‌گیرد: «الْمُعْتَكِفُ يَعْكِفُ الذُّنُوبَ»[۲] معتکف، گناهان را در بند می‌کشد. تا به گنج گران‌سنگ خلوت خداوند واستمرار اخلاص، دست پیدا کند.[۳] توجه به این نکته ضروری است که اخلاص همانند ایمان و سایر ملکات نفسانی، دارای مراتب و درجات گوناگون است ممکن است معتکف قبل از اعتکاف، دارای مرتبه‌ای از اخلاص باشد که با انجام اعتکاف و قرار گرفتن در آن فضای ملکوتی و معنوی بر اخلاص او افزوده می شود.

٦. حفظ حدود الهی

در آخر آیه۱۷۸، سوره بقره، خداوند متعال درباره اعتکاف می‌فرماید: «وَلاَ تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ» هنگامی که در مساجد در حال اعتکاف هستید با زنان آمیزش نکنید. سپس می‌فرماید: «تِلْكَ حُدُودُ اللّهِ»؛ این‌ها مرزهای الهی است به آن نزدیک نشوید».

نزدیک شدن به مرز وسوسه برانگیز است، و گاه سبب می‌شود که انسان از مرز بگذرد و در گناه بیفتد، معتکف با انجام وظایف خود و ترک محرمات، مرزهای الهی را رعایت می‌کند، مرز میان حلال و حرام، مرز میان ممنوع و مجاز جالب این است که نمی‌گوید از مرزها نگذرید، می‌گوید: به آن‌ها نزدیک نشوید! چرا که گاه نزدیک شدن سبب می‌شود که انسان بر اثر طغیان شهوات یا اشتباه و یا دلبستگی به امور مادی، از مرز بگذرد به همین دلیل در برخی قوانین اسلامی، گام نهادن در مناطقی که موجب لغزش به گناه است، نهی شده است، مانند شرکت در مجلس گناه هر چند خود آلوده به آن نباشد، و یا خلوت کردن با زن نامحرم در یک محیط خلوت که دیگران به آن راه ندارند، همین معنی، در احادیث اسلامی تحت عنوان «حمایت از حمی» (نگهداشتن منطقه ممنوعه) بیان شده است.

---

۱. انعام، آیهٔ ۱٦۲.

۲. السیدالبکری الدمیاطی، اعانة الطالبین، بیروت، دارالفکر، ۱٤۱۸ق، ج٤، ص۲۸۹؛ المناوی، فیض القدیر، به کوشش احمد عبدالسلام، بیروت دارالکتب العلمیهٔ، ۱٤۱٥ق، ج٦، ص۳٥٦.

۳. کاشف‌الغطاء، اصفهان، مهدوی، ج۲، ص۲۰۸؛ الصدوق، الامالی، قم، البعثت، ۱٤۱۷ق، ص٤۳۸؛ وسائل‌الشیعه، ج٤، باب۳۰ از ابواب الدعاء، ص۱۱۲٥؛ الحر العاملی، الجواهر السنیه، قم، مکتبة المفید، ۱۳۸٤ق، ص٥۷.

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: إِنَ حِمَى اللَّهِ مَحَارِمُهُ، فَمَن وَقَعَ حَولَ الحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَقَعَ فِيه: «محرمات الهی قرقگاههای آن است، و کسی که گوسفند خود را در کنار قرقگاه ببرد، بیم آن می‌رود که وارد منطقه ممنوع شود.

بر همین اساس افرادی که پایبند اصول تقوی و پرهیزکاری هستند نه تنها مرتکب محرمات نمی‌شوند، بلکه سعی دارند به نزدیکی حرام نیز گام ننهند.

اعتکاف که اثر عمیقی در تصفیه روح و توجه مخصوص به پروردگار دارد، موجب می‌شود که انسان معتکف، تلاش فراوانی نماید که به مرزهای الهی نزدیک نشود و این حالت را بعد از اعتکاف نیز مد نظر داشته باشد.[1]

۷.رهایی از دنیا

دلبستگی به امور دنیایی و رفاه و آسایش و تعلق خاطر به مال، ثروت، قدرت، جاه و مقام، زن و فرزند، قوم و قبیله، شهرت، ستایش و ... همواره سد راه انسان در رسیدن به مقامات معنوی و کمالات انسانی بوده و خواهد بود لذا پیشوایان معصوم، در نکوهش این وابستگی‌ها، تأکیدات زیادی دارند.

از امام سجاد ﷺ پرسیده شد، بهترین اعمال چیست؟ فرمود: بعد از شناخت خدا و رسول خدا، بهترین عمل دشمنی با دنیا است... سپس فرمود: «حُبُ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَة...[2]» سرچشمه تمام خطاها، دوست داشتن دنیا است. اعتکاف، که وسیله‌ای است برای تکامل معنوی باید به دور از تعلقات مادی و دنیایی باشد و از هر چه انسان را از ذکر و یاد خدا و امور معنوی، در این عمل خیر، باز می‌دارد به دور باشد. امام علی ﷺ می‌فرماید: «معتکف، باید همواره در مسجد و به یاد خدا و در حال نماز و تلاوت قرآن باشد، و از بحث و گفتگو درباره امور دنیایی پرهیز نماید وَ لَا يَتَحَدَّثُ بِأَحَادِيثِ الدُّنْيَا[3] انسان معتکفی که در حال اعتکاف، باید از گفتگو در امور دنیایی پرهیز کند، به خوبی درک می‌کند، که باید از دنیا و مظاهر آن و دلبستگی به امور مادی، خود را رها سازد و فریب زرق و برق دنیا را نخورد و مجذوب جلوه‌های فریبنده آن نگردد، تا بتواند بنده شایسته و محبوب خدا قرار گیرد.

اعتکاف و اعمال آن، قلب و روح معتکف را آماده می‌کند که از دلبستگی به دنیا، خود را برهاند و دنیا را به عنوان مزرعه آخرت تلقّی نماید.

اصولاً انسان هرگز از لذت‌های دنیوی، اشباع نمی‌شود و هر چه از دنیا به دست آورد تشنه‌تر و حریص‌تر شده و به حد بالاتر می‌اندیشد و تلاش می‌کند که آن را نیز به دست آورد.

---

۱. ر ک، المیزان علامه طباطبائی، ج ۲، ص ۲۲۸و تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲ش، چاپ هجدهم، ج۱، ص ٦٥١ – ٦٥٣.

۲. کافی، ج۲، ص ۱۳۰ –۱۳۱.

۳. يَلْزَمُ الْمُعْتَكِفُ الْمَسْجِدَ وَ يَلْزَمُ ذِكْرَ اللَّهِ وَ التِّلَاوَةَ وَ الصَّلَاةَ وَ لَا يَتَحَدَّثُ بِأَحَادِيثِ الدُّنْيَا، بحارالانوار، علامه مجلسی، بیروت مؤسسه الوفاء، ١٤٠٣ق، چاپ دوم.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «مَثَلُ الدُّنْیَا کَمَثَلِ مَاءِ الْبَحْرِ کُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ ازْدَادَ عَطَشاً حَتَّی یَقْتُلَهُ[1]» دنیا مانند آب دریاست، انسان تشنه هر چه بیشتر از آن بنوشد، تشنه‌تر خواهد شد، تا جائی که تشنگی او را به هلاکت برساند..

اعتکاف فرصتی است که معتکف توفیق پیدا می‌کند تا با مقاومت در برابر تندباد سرکش هواهای نفسانی و تعلقات مادی، آتش عشق به حق را که در یخبندان مادیات، رو به افول نهاده مجدداً روشن نموده و مراقبت نماید تا گرمای نشاط معنوی تمام وجودش را فرا گرفته و ناخالصی را از خویشتن دور سازد. در حقیقت اعتکاف جان انسان در بند کشیده شده به دنیا را آزاد کرده او را به جایگاه بلند بندگی خدا می‌رساند و از دنیا و دلبستگی‌های آن رها می‌سازد.

۸. اندیشیدن

جلوه‌ها و مظاهر مادی زندگی ماشینی، انسان‌ها را به خود مشغول و سرگرم نموده و فرصت هر گونه فکر و اندیشه را از انسان سلب کرده است؛ گاه‌چنان در زندگی مادی غرق می‌شود که از فلسفهٔ آفرینش خود غافل می‌شود و نمی‌داند از کجا آمده است و به کجا می‌رود و چگونه باید زندگی کند. از این‌رو، هر انسانی نیازمند فرصتی است تا خود را بیابد و به گمراهی سوق پیدا نکند. ایّام اعتکاف که ایّام خلوت با خدای یگانه و فاصله گرفتن از دنیا و تعلّقات اوست، بهترین فرصت برای تفکر و اندیشیدن است. در آیات و روایات تأکید زیادی بر تفکر شده است؛ چراکه انسان با پرواز در آسمان اندیشه، سرچشمهٔ زندگی و حقیقت هستی را به روی خود می‌گشاید و با حرکت به سوی قلّه‌های کمال، پستی‌های زندگی را شناخته و از آن دوری می‌ورزد.

از نگاه قرآن اندیشیدن در آفرینش، سبب ایمان به خدای یگانه و اقرار به هدف‌داری آفرینش است و نتیجهٔ آن، تنزیه و تسبیح خالق هستی بوده و آن نیز زمینهٔ اجابت دعا از سوی خداوند است.

الَّذِینَ یَذْکُرُونَ اللّهَ قِیَامًا وَقُعُودًا وَعَلَیَ جُنُوبِهِمْ وَیَتَفَکَّرُونَ فِی خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذا بَاطِلاً سُبْحَانَکَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ * رَبَّنَا إِنَّکَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَیْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِینَ مِنْ أَنصَارٍ * رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِیًا یُنَادِی لِلإِیمَانِ أَنْ آمِنُواْ بِرَبِّکُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَکَفِّرْ عَنَّا سَیِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الأَبْرَارِ *... * فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ ...»[2]

آنان که خدا را در حال ایستاده و نشسته و آن‌گاه که بر پهلو خوابیده‌اند یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند:) بار الها! این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای، منزهی تو، ما را از اعذاب آتش، نگاه دار. پروردگارا! ما صدای منادی (تو) را شنیدیم که به ایمان دعوت می کرد، که به پروردگار خود ایمان بیاورید و ما ایمان آوردیم، پروردگارا! گناهان ما را ببخش و بدی‌های ما را بپوشان و... . خداوند درخواست آنها را پذیرفت... .

---

۱. الکلینی، محمد، کافی، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج۲، ص۱۳۶، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج۱، ص۱۵۲.

۲. آل عمران، آیه‌های ۱۹۱تا ۱۹۵.

و برای تفکر و عینیّت بخشیدن به ویژگی‌های آیات یاد شده هیچ فرصتی مناسب‌تر از ایّام اعتکاف که معتکف در آن شبانه‌روز بـه راز و نیاز با خدا مشغول است، وجود ندارد.

۹. حساب‌رسی

ایّام اعتکاف بهترین فرصت برای حساب‌رسی نفس است؛ زیرا معتکف بـا فراغـت از درگیـری‌هـا و فشـارهای زنـدگی روزمـرّه، ساعاتی را به تفکر فرو می‌رود و با حساب‌رسی گذشتهٔ خود برای آینده‌اش به صورت صحیحی برنامه‌ریزی می‌کند تا بدین‌وسـیله از خطاها و لغزش‌های گذشتهٔ خود عذرخواهی کرده و برای آینده از آنها خودداری کند و خود را بـه زیـور نیکـی و ارزش‌هـای راستین بیاراید.

در متون دینی به این موضوع بسیار اهمیت داده شده و به آن سفارش شده است. تا پیش از آن‌که میزان‌های عدل خـدا در قیامـت برپا شود و انسان‌ها مورد حساب‌رسی دقیق قرار گیرند، هر فردی خود را مورد حساب‌رسی قرار دهد.

تأکید قرآن مجید به این‌که اگر کار خوب به اندازهٔ ذرّه[1] و یا خردلی[2] باشد مورد محاسبه قرار می‌گیرد، برای این است که انسان‌هـا را به دقّت در حساب‌رسیِ قیامت متوجّه کند و این‌که ترازوهای سنجش عمل در قیامت آن‌قدر ظریف است که کوچک‌ترین عمل را به حساب می‌آورند.

از این‌رو، علی علیه‌السلام می‌فرماید:

عِبَادَ اللَّهِ زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُوزَنُوا وَ حَاسِبُوهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسَبُوا؛[3] بندگان خدا! پیش از آن‌که مورد سنجش قرار گیریـد خـود را بسنجید و پیش از آن‌که شما را به پای حساب ببرند حساب خود را برسید.

۱۰. هم‌نشینی با پارسایان

بدون شک هم‌نشین و دوست از عوامل مهم سازندهٔ شخصیّت انسان است؛ به‌گونه‌ای که هر فردی بسیاری از افکار و ویژگی‌هـای اخلاقی خود را با تأثیرپذیری از دوستان به دست می‌آورد. این حقیقت امری علمی و تجربی است و جای انکار ندارد.

بر همین اساس امیر مؤمنان علیه‌السلام در روایتی راه تشـخیص دیـن‌داری افـرادی را کـه وضـع مشـکوکی دارنـد، شناسـایی دوسـتان و هم‌نشینان آنها دانسته‌اند:

---

۱. زلزال، آیهٔ۷.

۲. انبیاء، آیهٔ ٤٧.

۳. الرضی، نهج‌البلاغه، به کوشش موسسه نهج‌البلاغه، قم، ١٤١٤ق، ص۸۹، خطبه۸۹؛ بحارالانوار، ج٤، ص۳۱۰.

«و مَنِ اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ أَمْرُهُ وَ لَمْ تَعْرِفُوا دِينَهُ فَانْظُرُوا إِلَى خُلَطَائِهِ فَإِنْ كَانُوا أَهْلَ دِينِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ إِنْ لَمْ يَكُونُوا عَلَى دِينِ اللَّهِ فَلَا حَظَّ لَهُ فِي دِينِ اللَّه؛[1] هرگاه وضع کسی به شما مشتبه شد و دین او را نشناختید به دوستانش نظر کنید، اگر اهل دین خدا بودند او نیز اهل و پیرو دین خداست و اگر اهل دین خدا نبودند، او نیز بهره‌ای از دین خدا ندارد.

امام علی علیه‌السلام در وصیّتش به امام حسن علیه‌السلام چنین فرموده است:

«قَارِنْ أَهْلَ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ وَ بَايِنْ أَهْلَ الشَّرِّ تَبِنْ عَنْهُمْ؛[2]

به نیکوکاران نزدیک شو که از آنان خواهی شد و از اهل شرّ و بدی دوری جو، تا از شرّ آن‌ها برکنار باشی.

اعتکاف این نعمت را نصیب انسان می‌کند که در فضایی به دور از گناه و معصیت و سرشار از عطر جان‌فزای عبادت و نیایش و در اثر هم‌نشینی و دوستی با مؤمنان و پارسایان از آنان تأثیر پذیرفته و سعادت و خوش بختی را در آغوش گیرد.

۱۱. پیش‌گیری از عقوبت الهی

از آیات قرآن استفاده می‌شود که بسیاری از امّت‌های پیشین پس از استحقاق عذاب الهی به عذاب استدراج و استیصال مبتلا شده‌اند.[3] و قرآن مجید برای هلاکت آنان عوامل گوناگونی را بیان کرده است؛ از جمله ستمگری، فراموشی نصیحت‌های الهی، قساوت قلب،[4] رفاه‌زدگی،[5] طغیانگری در برابر فرمان خدا و انبیا[6] و ستیزه‌جویی در برابر حق.[7]

اما براساس برخی از آیات (انفال، آیهٔ۳۳) سنّت خدا بر این حاکم است که: تا وقتی که رسول خدا در میان مردم باشد و یا آن‌که مردم اهل استغفار باشند، خداوند آنان را به عذابِ استیصال مبتلا نخواهد کرد.[8]

«وَمَا كَانَ اللّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»[9]

---

۱. بحارالانوار، ج۷٤، ص۱۹۷.

۲. النوری، ***مستدرک‌الوسائل***، بیروت، آل‌البیت لاحیاء التراث]، ۱٤۰۸ق، ج۸، ص۳۲۷؛ سیدمحمد دشتی، ***المعجم‌المفهرس لالفاظ نهج‌البلاغه***، قم، موسسهٔ امیرالمؤمنین علیه‌السلام، ۱۳۷۷ش، ص۱٦۱.

۳. عذابِ استیصال و استدراج، سنت الهی است و به معنای نزدیک شدن تدریجی و غیر مستقیم کافران و فاسقان به هلاکت و عذاب، بر اثر اصرار بر کفر و گناه است. عذابِ استدراج پس از مراحل هدایت و آزمایش از یک سو و تکذیب و روی‌گردانی از سوی دیگر، در مورد کافران و فاسقان اجرا می‌شود. (دایرهٔ المعارف قرآن کریم، ج۳، ص ٥٦– ٦۷).

٤. آیه‌های ٤۱، ٤۳، ٤٥ سوره انعام، ۱٦٥ سورهٔ اعراف و ۷۰ سورهٔ توبه.

٥. قصص، آیهٔ٥۸.

٦. آیه‌های ۸–۱۰ سورهٔ طلاق و ٥۰–٥۲ سورهٔ نجم.

۷. غافر، آیهٔ٥.

۸. الفیض کاشانی، ***تفسیرالصافی***، بیروت، نشر اعلمی، ۱٤۰۲ق، ج۳، ص۱۹۹؛ ***بحار الانوار***، ج۱۸، ص۱٥۹.

۹. ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد و (نیز) تا استغفار می‌کنند، خدا عذابشان نمی‌کند.

آیهٔ یاد شده دو عامل را برای امنیّت مردم از عذاب ذکر کرده است؛ یکی وجود پیامبرﷺ و دیگری،استغفار. این دو آنان را در برابر مجازات‌های دردناک طبیعی و غیرطبیعی مانند: سیل، زلزله و جنگ‌های ویرانگر محافظت می‌کند.

امام باقرؑ از قول امیر مؤمنانؑ در تفسیر آیهٔ یاد شده می‌فرماید: در روی زمین دو امان و وسیلهٔ نجات از عذاب الهی وجود دارد که یکی از آنها برداشته شد، امّا دومی را دریابید و به آن چنگ زنید، آن امانی که برداشته شد رسول خداﷺ بود و آن امانی که باقی مانده استغفار است.[1]

جمعی از مؤمنان که در ایّام اعتکاف به دعا و استغفار مشغولند همین نقش را در اجتماع اسلامی خواهد داشت. از این‌رو، استغفار و تضرّع مؤمنان در حال روزه به‌ویژه در ایّام اعتکاف که در مقدس‌ترین مکان‌ها صورت می‌گیرد، رحمت خدا را برمی‌انگیزاند و عذاب را از مردم برطرف می‌کند.

۱۲. پاداش الهی

از جمله آثار اعتکاف برخورداری معتکف از پاداش‌های الهی است؛ پاداش‌های خدا برای معتکف، از یک سو، پاک کردن او از آلودگی‌های نفسانی و بخشش گناهان وی است و از سوی دیگر، برخوردار ساختن او از ثواب‌های چشم‌گیر الهی است.

۱-۱۲. بخشش گناهان

از جمله آثاری که برای اعتکاف قرار داده شده است بخشش گناهانی است که معتکف در گذشته مرتکب شده است. چنان‌که رسول خداﷺ فرموده است:

مَنِ اعْتَکَفَ إیماناً وَ اِحْتِساباً غُفِرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ؛[2]

هر کسی از روی اعتقاد و کوشش برای حساب‌رسی نفس به اعتکاف بپردازد خداوند گناهان گذشته او را می‌بخشد.[3]

۲-۱۲. دو حج و دو عمره

از جمله آثار اعتکاف این است که خداوند ثواب دو حج و دو عمره پذیرفته شده را به معتکف عطا می‌کند. چنان‌که امام صادقؑ از قول پدران بزرگوارش و آنان از رسول خداﷺ نقل کردند که آن حضرت فرمود:

اعْتِکَافُ عَشْرٍ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ یَعْدِلُ حَجَّتَیْنِ وَ عُمْرَتَیْنِ؛[1] ده روز اعتکاف در ماه رمضان برابری می‌کند با دو حج و دو عمره.

---

۱. نهج‌البلاغه (شرح و ترجمهٔ عبده)، ج۲، ص۱۹-۲۰ و العروسی الحویزی، ***تفسیر نورالثقلین***، به کوشش رسولی محلاتی، اسماعلیان، ۱۳۷۳ش، ج۲، ص۱۵۲.

۲. المتقی الهندی، علی، ***کنزالعمال***، به کوشش السقاء، بیروت، الرساله، ج۸، ص۵۳۰.

۳. کلمهٔ «احتساباً» به معنای مبالغه در حساب‌رسی است؛ یعنی معتکف خود را بسیار مورد حساب‌رسی قرار دهد.

۱۲-۳. وجوب بهشت

یکی از ماه‌های مهم در اسلام ماه رجب است که در روایت از حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام آمده که: رَجَب شَهْرٌ عَظِیمٌ یُضَاعِفُ اللَّهُ فِیهِ الْحَسَنَاتِ وَ یَمْحُو فِیهِ السَّیِّئَاتِ مَنْ صَامَ یَوْماً مِنْ رَجَبٍ تَبَاعَدَتْ عَنْهُ النَّارُ مَسِیرَةَ مِائَةِ سَنَةٍ وَ مَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَیَّامٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ؛[۲]

رجب، ماه بزرگی است، خداوند، در این ماه، بر حسنات می‌افزاید و گناهان را محو می‌کند، کسی که در این ماه، یک روز، روزه بگیرد، آتش (جهنم) به اندازه یکصد سال از او دور می‌شود و کسی که در این ماه سه روز، روزه بگیرد بهشت بر او واجب می‌شود. با توجه به اینکه اعتکاف در ماه رجب مستحب است و در هر اعتکاف باید سه روز، روزه گرفته شود، پس بر معتکف بهشت که نهایت آرزوی یک مؤمن است، واجب می‌گردد.

۱۲-٤. پاداش بی‌حساب

در برخی از روایات افزون بر بخشش گناهان معتکف، ثواب‌های بی‌حسابی را برای وی بیان کرده است. چنان‌که ابن عباس در حدیثی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

اَلْمُعْتَکِفُ یَعْکِفُ الذُنُوبَ وَ یَجْرِی لَهُ مِنَ الْأَجْرِ کَأَجْرِ عَامِلِ الْحَسَنَاتِ کُلِّهَا؛[۳]

معتکف گناهان را به بند می‌کشد، (کنایه است از این‌که معتکف گناهان را از خود دور می‌کند) و پاداش او مانند پاداش کسی است که انجام دهندهٔ همهٔ خوبی‌هاست.

بدیهی است کسی که انجام دهندهٔ همهٔ خوبی‌ها باشد، پاداش بی‌حساب در انتظارش خواهد بود.

---

۱. الحر العاملی، محمد، ***وسائل‌الشیعه***، قم، آل البیت علیهم‌السلام، ج۷، باب ۱ از کتاب اعتکاف، ص۳۹۷، ح۳.

۲. مجلسی، محمد باقر، ***بحارالانوار***، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج۹٤، ص۳۷.

۳. المتقی الهندی، ***کنز العمال***، به کوشش صفوه السقاء، بیروت، الرسالة، ج۸، ص۵۳۱.